

تعدادی از واژه‌های ناب گویش نایینی

واژه‌های ناب و اصیل گویش نایینی به مرور زمان گنجانده خواهد شد. این فرایند همچنین با یاری خوانندگان کامل می‌شود. شما می‌توانید واژه‌هایی را که از دید خودتان اصیل و ناب هستند در بخش دیدگاه همین پست و یا از طریق بخش ارتباط با ما بفرستید. امیدواریم این اقدام در بلند مدت باعث حفظ این یادگار کهن گردد.

هَرُونو Horonoo: سوراخ بالای سقف چهار پرگار

کِلِـندوون/ تِـملو kilindoon / temloo: سوراخ و قفل دان درب‌های قدیمی

گُمب Gomb: مجرای آب زیر دیوار، لوله آبی که از زیر دیوار عبور می‌کند

کاندول Candol: نوعی بوته‌ی بیابانی بدون برگ به شکل گلوله

پِسه Pise: فاصله بین کمربند با بند شلوار و کمر

هَرگوم Hergom: بخش پیشین و ورودی آب به کُرت (زمین کشاورزی)

پَسار Passar: بخش پایانی کُرت (انتهاهی)

وار Var: آب بند، همچنین وار وِر کیری به معنای بستن و باز کردن مسیر آب است

سازی sazi: طنابی کلفت از الیاف گیاهی

ناگال Nagal: پای بند شتر

وِرُونَه Vervona: کهنه‌ی بچه

یومو Yomoo: پوشاک

اَوَشا Avshaa: حیاط خلوت (برای نگهداری دام)

وَریون Varioon: خرمن کوب که به کمک حیوان کشیده می‌شود

دِرَوُن Dervon: کاری مانند تکه تکه کردن نان برای تلیت در آب

دِرَویج Dervij: خرد کردن، جدا کردن، از ریشه بیختن؛ الک کردن و امری است. یعنی امر به بیختن می کند مثلاً اوشو خاک در ویج: رو خاک را الک کن

وِرَوُن Vervon: کاری مانند پهن کردن لباس روی بند (هرچه پهن کردنی باشد)

دِرَنه Derne: کاری مانند جا دادن ظرف یا کیسه. گذاشتن درب ظروف و معانی مشابه دیگر

دِرِیا قنه Deryaghneh: کاری مانند چپاندن چیزی در کیسه یا گونی و معانی مشابه دیگر

کَلوک Kalook: آجرپاره یا پاره سنگ

چَر Char: چرخ، چرخ ریسندگی و...

چَرَقو Charghoo: چرخ جداسازی تخم پنبه

موروک Moorook: توپ ریز شبیه مروارید که در دوخت لباس بکار میرود

سومورَه Sumoorah: سمور

سیخور Sikhor: جوجه تیغی

کویَه Kooyah: سگ

مَلو Maloo: گربه

تورَه Toorah: شغال

گاچو Gachcho: نوعی سوسک

قازقازی GhazGhazi: نوعی سوسک، قاز قازی علاوه بر سوسکهای کوچک سیاه به سوخته‌های چسبیده به پشت نان (که از نان قبلی بر سینه تنور با قی مانده و سوخته) هم گفته میشود.

سوزوناک Sozoonak: سنجاقک

زُنَجیرَه Zonjirah: جیرجیرک

کَپیلنچ Kapilenj: مارمولک

مَوَلَه Mavlah: سوسک حمام؛ موله یا مولنچ یا موردونه به موریانه هم گفته می‌شود

سی سی پا Cicipa: دم جنبانک

چوروک Chorook: گنجشک

سَلَّه Sallah: آشیانه پرنده

چوری Choori: جوجه

غولا Ghoola: کلاغ

کاراتینا Karatina: عنکبوت

پرپرو Parparoo: شب پره

مِلَک Milak: ملخ

جَمِه Jemeh: دسته بیل

کَفتین Kaftin: بیل

واز مالَه Vazmalah: شن کش؛ وازماله ابزار چوبی با تعدادی میخ‌های چوبی تعبیه شده در ردیف‌هایی مرتب و دسته بلند چوبی برای کشیدن واز (سله) یا همان سله شکن در کار کشاورزی است

مِه دِر کیره Meh der kirah: چوب نوک تیز برای سوراخ کردن زمین کشاورزی جهت کاشت پنبه دانه

لوکَه Lookkah: پنبه

ویش Wish: پنبه دانه

لَت Lat: زخمی شدن، صدمه دیدن

دِر مَنَه Demnah: سوراخ هواکش در زیر تنور نان‌نوازی

سودَه Sevdah: سبد

تاخذَه Takhnah: محل پخت نان

دُملو Domloo: ماسوره‌ی پیچیده شده نخ از پشم شتر

میتی Miti: پهنه بند عبا در حال بافت

ویجاری Vijari: سوفال گندم

تپوو Tapoo: خمره گلی برای انبار کردن غله

دشون Dashoon: دشتیان

کشون Kashoon: کشتزار

باووجار Bavoojar: کارگر جداکننده کاه از گندم

یه Yah: جُو

آرتورون Artoron: پس مانده‌ی علف گندم و جو

اِر Eer: آسیاب

اِروون Arvoon: آسیابان

توفال Toofal: میخ محکم کننده دسته کلنگ

دِیلاق Dilaagh: دود و دم

واش وِر کَه Vashver kah: باد وزیدن گرفت

واز کَشی Vazkashi: مسطح کردن زمین زراعی

جیلی Jili: زالو، کرم

کِرِندَه Kerendah: کنه

هیجَه Hijah: کنه کوچک

نیم‌رَزین Nimarzin: جارو

بِرِگَه Bergah: درگاه / در

چَپیلَه Chapilah: فاصله بین دو قوس سقف ضربی

کیلین دون Kilindoon: سوراخی که کلید درب به آن وارد می‌شود (درب چوبی قدیم)

سُر Sor: ناودان

پاگونَه Pagoonah: جای پا برای بالا و پایین رفتن از سطحی مانند دیوار چاه یا خانه

دِرَبَچه Derbachah: پنجره

طاگ Tag: سقف، طاق

گمبِی Gombey: گنبد

کاوگشنا Kavgeshna: گلرنگ

تِلَه Teelah: تلخه (گیاه هرز)

دیر_مه Dirammah / جفنا Jefna / اشنونی Eshnoni: هیزم بیابان

کال اُشْترو Kal oshtoroo: نام گیاهی

تارونی Taroni: بوته بیابان

شیلَه Shilah: شیب رودخانه

و_کاونی Vakavni: جست و جو کردن

گودار Goodar: سر بالایی

ویوزَه Vioozah: مرغی که خود را روی خاک پهن کرده است؛ ویوزی از ریشه یوزیدن، جستجو کردن است. به حرکت برهم زدن خاک و جستجوگری مرغ برای یافتن خوراکی ویوزی گفته میشود

کُپ Kop: بفارسی کُچ، مرغی که روی تخم خود می‌نشیند اصطلاحاً کُپ شده است

کَپَه Kapah: گل آفتابگردان

واخُب Vakhob: مراقب، نگهبان

تِرَندَه Tendah: هسته

خیلِش Khilish: هسته خرما

مایی گَلَمَه Mayy galamah: مایه‌ی گلمه، شیری که بره چند روزه

خورده از روده‌اش خارج می‌کنند و به عنوان مایه‌ی پنیر بکار می‌برند

شیری جه Shiri jeh: شیر آغوز

سالین Salin: تکه‌های سفال

تیریش Tirish / پنج Ponj / ابوور Aboor: زره، کم (میزان‌های اندازه‌گیری)

گِز Gez: واحد سنجش فاصله

هُمبار Hombar: یواش، آرام

خاش Khash: دلپسند

پیلشت Pilesht: زشت

جوهوون Johoon: زیبا

بیار Biar: برادر

خُو Khow: خواهر

دیر_وش Diravsh: درفش، پرچم

هَشکَمبَه Hashkembah: معده

گُردَه Gordah: کمر

انگولی Engoli: انگشت

کُچَه Kochah: فک

مُل Mol: گردن

می Mi: مو

ریزَه Rizah: روده

جیجَه Jijah: پستان

لُنْج Lonj: بینی

سورَه Soorah: شُش

يا گَه Yagah : طرف

جُم Jom : كاسه

چِمچَه Chemchah : قاشق

هُرسي Horosi : كفش

موجَه Moojah : دمپايي

دوري Dowri : بشقاب

تار Tar : سيني

دولُك Doolok : كيسه‌ي قند

كيلاك kilaak : اجاق آتش

كوماجدون Komajdoon : قابلمه دسته دار مسي

پالاش Palash : آبکش

برَه Berah : كفگیر

سوو Soovah : كوزه

اُخوري Ovkhoori : ليوان

ناخين جی Nakhin ji : ناخن گیر، قيچی

سه ديرَم، شش ديرم دوازده، ويست و پنج، پنجه، هفته پنج، صد ديرم...: نمونه واحد اندازه گیری وزن

كايَی پلا چفته Kayay pelachftah : بازی الك دولك

كايَی كُوش هَمَ جُوش Kayay kowsh hamajowsh : بازی يك قل دو قل

بيخناي Bikhnay : گردنبند / گوشواره